

داستان متیوسون از کتاب مقدس - درس اول - نسل اول-سوم

دیو متیوسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

دکتر دیوید متیوسون به مدت هشت سال در کالج گوردون مباحث عهد جدید و زبان یونانی را تدریس کرد و سپس در پاییز ۲۰۱۱ به حوزه علمیه دنور بازگشت. او پیش از ورود به عرصه تدریس، به مدت شش سال و نیم در مونتانا به امور دینی مشغول بود و چندین سال نیز در کالج مسیحی اوک هیلز در بمیجی، مینه سوتا تدریس کرد. دیو دکترای خود را از دانشگاه آبردین در اسکاتلند دریافت کرد.

پایان نامه او توسط دانشگاه شفیلد با عنوان «آسمانی نو و زمینی نو، معنا و کارکرد عهد عتیق در مکاشفه. و اخیراً با عنوان «جنبه کلامی در کتاب مکاشفه» که در سال ۲۰۱۰ توسط انتشارات ای.جی «۲۲.۵-۲۱.۱ بریل منتشر شد، منتشر شد. دیو ما را با خط داستانی کتاب مقدس آشنا خواهد کرد و در آنجا پنج مضمون اصلی زیر را از پیدایش تا مکاشفه دنبال خواهد کرد. آنها عبارتند از قوم خدا، عهد، معبد، پادشاهی و سرزمین یا خلقت.

دکتر دیو متیوسون در سخنرانی شماره یک، با شروع داستان کتاب مقدس از پیدایش ۱ تا ۳ صحبت می کند بسیار خوب. کاری که می خواهیم در این مجموعه سخنرانی ها انجام دهیم، مرور چیزی است که من آن را داستان کتاب مقدس نامیده ام.

و این یعنی اگرچه کتاب مقدس از نظر تاریخی و ادبی شامل کتاب های متنوعی است، اما از نظر ژانر ادبی کتاب ها، اگرچه کتاب مقدس از انواع مختلفی از کتاب ها تشکیل شده است، اما به نظر من، این تنوع اساسی، یک داستان یا روایت واحد است که گواهی بر رفتار رستگاری بخش خدا با قومش در تاریخ است در واقع، این داستان، همانطور که در صفحات عهد عتیق و جدید خواهیم دید، تمام ویژگی های داستان هایی را که با آنها آشنا هستیم، دارد. این داستان یک طرح داستانی معمولی دارد.

برای مثال، به صحنه ی داستان نگاهی خواهیم انداخت، که بیشتر این سخنرانی اول را به آن اختصاص خواهیم داد. صحنه را بررسی خواهیم کرد، شخصیت های اصلی چه کسانی هستند و مضامین و حرکات غالب داستان کدامند. و سپس صحنه تنها صحنه را برای یک درگیری آماده می کند.

بیشتر داستان‌های خوب دارای یک تضاد یا بحرانی هستند که در خود داستان پدیدار می‌شود و باید حل شود. و داستان کتاب مقدس نیز از این قاعده مستثنی نیست. ما به بحرانی که در داستان یا روایت یا خط داستانی کتاب مقدس ایجاد می‌شود، نگاه خواهیم کرد و خواهیم دید که چگونه آن داستان حل می‌شود چگونه بحران یا تضاد شروع به آشکار شدن می‌کند و راه‌حل خود را عمدتاً در عهد جدید، در پرتو تحقق در مسیح، و همچنین در قوم او، می‌یابد.

و بنابراین، کاری که می‌خواهم در ابتدا انجام دهم شاید فقط چند نکته در مورد آنچه این مجموعه سخنرانی‌ها نیستند بگویم. این مجموعه سخنرانی‌ها بررسی کل کتاب مقدس نیست. بنابراین، بخش‌های بزرگی از عهد عتیق و جدید، کل کتاب‌ها وجود دارد که از آنها صرف نظر می‌کنم زیرا این بررسی محتوای اصلی و ساختار و مضامین و زمینه هر کتاب اصلی نیست.

من صرفاً داستان را دنبال می‌کنم و ما زمانی را صرف بررسی متون برجسته‌تر موجود در عهد عتیق و چگونگی مشارکت آنها در داستان خواهیم کرد، اما این بررسی کل عهد عتیق یا جدید نیست. همچنین در این مجموعه سخنرانی‌ها، به تعدادی از سؤالاتی که ممکن است برای شما جالب باشد، پاسخ نخواهم داد، مثلاً در پیدایش که امروز هنگام بررسی اوضاع به آنها خواهیم پرداخت. در فصل اولیه پیدایش، من پاسخی نخواهم داد و شاید مجهز یا واجد شرایط پاسخگویی به سؤالاتی مانند اینکه قابیل و هابیل همسران خود را از کجا آوردند؟ یا آیا کیهان در هفت روز یا هفت عصر به معنای واقعی کلمه خلق شد؟ نیستم. من به این سؤالات پاسخ نخواهم داد.

باز هم، من عمدتاً بر مضامین الهیاتی یا خط داستانی الهیاتی که در طول عهد عتیق و جدید امتداد می‌یابد تمرکز خواهم کرد. بنابراین، تقریباً به همین سمت می‌رویم. باز هم، من زمانی را صرف بررسی متون نمونه از عهد عتیق و جدید خواهم کرد و کمی هم به پیدایش ۱ تا ۳ خواهیم پرداخت، که به نوعی صحنه را آماده می‌کند و زمینه‌ساز داستان است.

بنابراین، بیایید اکنون به آن نگاه کنیم. نقطه شروع یا زمینه، فصل‌های ۱ تا ۳ کتاب پیدایش است، که فصلی که به نوعی زمینه کلی یا خلاصه بقیه بخش را ارائه می‌دهد، در ابتدا، خداوند آسمان‌ها و زمین را آفرید، و ۱، زمین بی‌شکل و خالی بود، و تاریکی چهره اعماق را پوشانده بود. آنچه این موضوع در مورد زمینه نشان می‌دهد این است که پیدایش ۱ تا ۳ با وجود خداوند آغاز می‌شود، که خالق حاکم بر همه چیزهایی است که وجود دارد.

او حاکم مطلق بر خلقت خود است، و در این روایت از فعالیت خلاقانه خداوند است که تمام عناصر داستان یافت می‌شوند. تمام مضامین غالب که به عنوان بخشی از خط داستانی کتاب مقدس، راه خود را در بقیه کتاب مقدس باز می‌کنند، یافت می‌شوند. و من می‌خواهم به سادگی به آن مضامین غالب بپردازم.

مورد اول، و من لزوماً آنها را به ترتیب ارائه نخواهم داد، و همچنین گاهی اوقات جداسازی یا تقسیم برخی از این مضامین بسیار دشوار است، زیرا آنها به عنوان بخشی از داستان به طور جدایی ناپذیری به هم مرتبط هستند. بنابراین گاهی اوقات به یک موضوع اشاره می‌کنم و در مورد برخی دیگر نیز صحبت می‌کنم. اما موضوع اول، موضوع قوم خداست.

در فصل‌های ۱ و ۲ سفر پیدایش، خداوند به عنوان خالق، خالق حاکم بر جهان خود، قومی را می‌آفریند که با آنها وارد رابطه خواهد شد. بنابراین آدم و حوا قرار نیست فقط اولین انسان‌ها باشند، بلکه آنها سرآغاز یا اولین قوم خدا هستند، اولین قومی که خدا با آنها وارد رابطه پیمانی خواهد شد. و آن اصطلاح پیمان موضوع دیگری را مطرح می‌کند، اما آدم و حوا را باید به عنوان اولین قوم خدا در نظر گرفت که خدا، به عنوان حاکم بر خلقت، اکنون آنها را خلق کرده و با آنها رابطه پیمانی برقرار خواهد کرد.

در واقع، مأموریت آدم و حوا، یا وظیفه اصلی آنها در این روایت و در خلقتی که خداوند حاکم مطلق بر آن است، در متنی مانند پیدایش فصل ۱ و آیات ۲۶ و ۲۷ تصریح شده است. در اوج کار خلقتش، خداوند می‌گوید، سپس خداوند فرمود: «بگذارید انسان یا نوع بشر را به صورت خود، مطابق با شباهت خود، بسازیم و بگذاریم بر ماهیان دریا، پرندگان آسمان، گاوها و همه حیوانات وحشی زمین و هر خزنده‌ای که بر زمین می‌خزد، حکومت کند.» بنابراین خداوند انسان را به صورت خود آفرید.

او آنها را به صورت خدا آفرید، مرد و زن، او آنها را آفرید. من متقاعد شده‌ام که ایده پشت تصویر، اگرچه از نظر فرهنگی یا کلامی و عملکردی یا هستی‌شناختی، پیشنهادهای متنوعی در مورد اینکه تصویر ممکن است شامل چه چیزی باشد، وجود داشته است، حداقل فکر می‌کنم ایده تصویر نشان می‌دهد که آدم و حوا قرار است به عنوان نمایندگان خدا عمل کنند. آنها به عنوان کسانی که به صورت خدا آفریده شده‌اند، قرار است نماینده خدا در خلقت باشند.

و این امر عمدتاً با تسلط آنها بر تمام آفرینش محقق می‌شود. بنابراین، به یاد داشته باشید، خداوند حاکم مطلق آفرینش است و اکنون او انسان‌ها را به تصویر خود به عنوان نمایندگان خود خلق می‌کند. آنها قرار است نمایانگر حاکمیت خدا بر آفرینش او باشند.

آنها قرار است به عنوان نمایندگان خدا، پادشاهی و جلال او را در سراسر خلقت گسترش دهند. من اینطور برداشت می‌کنم که اساساً منظور از اینکه آدم و حوا به تصویر خدا آفریده شده‌اند، همین است. آنها نمایندگان او هستند تا حکومت و جلال او را در سراسر خلقت گسترش دهند.

این موضوع، مضمون غالب بعدی را مطرح می‌کند و همانطور که گفتیم، به مفهوم تصویر خدا مربوط می‌شود. یعنی آدم و حوا، از آنجایی که به تصویر خدا آفریده شده‌اند، در درجه اول قرار است به عنوان جانشینان خدا در خلقت او عمل کنند. بنابراین، دوباره، آنها قرار است نماینده حکومت خدا بر تمام خلقت باشند.

آنها قرار است حکومت خدا و جلال او را در سراسر جهان آفرینش برقرار و گسترش دهند. آنها نمایان خدا هستند. و به عنوان نمایان خدا، احتمالاً اینگونه است که ما نیز باید مأموریتی را که به آنها داده شده است درک کنیم.

من همین الان آیات ۲۶ و ۲۷ از پیدایش ۱ را خواندم. اما آیه ۲۸. به عبارت دیگر، فکر می‌کنم آنچه این آیه پیشنهاد می‌کند، و توجه کنید که فرمان باروری و تکثیر، بار دیگر با ایده سلطه یا حکومت بر تمام خلقت به عنوان نمایندگان خدا مرتبط است. چیزی که من فکر می‌کنم خدا می‌گوید این است که راهی که آنها باید برای انجام فرمان خود به عنوان حاملان تصویر خدا و نماینده حکومت خدا بر خلقت انجام دهند، از طریق تولید فرزندان است که تصویر خدا را به خود می‌گیرند و بنابراین زمین را پر می‌کنند و به این وسیله حکومت، و جلال خدا را در سراسر خلقت برقرار و گسترش می‌دهند. بنابراین، دوباره، با کنار هم قرار دادن این موارد، آدم و حوا به تصویر خدا به عنوان نمایندگان حکومت خدا آفریده شده‌اند.

خدا حاکم مطلق بر خلقت است، اما او آدم و حوا را به تصویر خود آفرید تا نمایانگر حکومت او در سراسر خلقت باشند، و آنها نیز قرار است با بارور شدن و تکثیر شدن و پر کردن زمین، فرزندان به تصویر خود به دنیا بیاورند. و از طریق فرزندان دیگری که به تصویر خود در می‌آیند، حکومت خدا و جلال او در نهایت در سراسر خلقت گسترش خواهد یافت. حال، این ما را به موضوع دیگری می‌رساند، و آن موضوع عهد است.

باز هم، این موضوع در مورد مردم صدق می‌کند، اما اگرچه کلمه عهد در فصل‌های ۱ و ۲ کتاب پیدایش ذکر نشده است، اما همه عناصر یک عهد در آن وجود دارد. یعنی، خدا به عنوان یک حاکم مطلق، حاکم بر تمام خلقت، به تصویر کشیده شده است و اکنون او قومی را خلق و انتخاب خواهد کرد که آنها را برکت داده و با آنها وارد رابطه خواهد شد و این عهد همچنین شامل برکت و نفرین خواهد بود. خدا آنها را برکت خواهد داد و در آیه ۲۸ از فصل ۱ به این نکته توجه کنید که خدا آنها را برکت داد و به آنها گفت: بارور و کثیر شوید.

بنابراین، خلقت مکانی برای برکت برای قوم خداست، با این حال بعداً خواهیم دید که در صورت امتناع از عمل به پیمان خود، نفرین‌هایی نیز وجود خواهد داشت. قلب اصلی پیمان، فرمول «من خدای آنها خواهم بود و شما قوم من خواهید بود» است که در سراسر عهد عتیق تکرار می‌شود. باز هم، خود فرمول اینجا نیست، اصطلاح پیمان اینجا نیست، اما واضح است که خدا به عنوان حاکم مطلق بر خلقت، اکنون قصد دارد با خلق یک قوم و برکت دادن آنها در صورت اطاعت از شرط پیمان خود، با قوم خود وارد یک رابطه پیمانی شود و این شرط در فرمان خدا به آنها در فصل ۲ یافت می‌شود که نباید از درخت معرفت خیر و شر بخورند.

و باز هم، من در حال حاضر علاقه‌ای به توضیح اینکه آن چه می‌تواند باشد، ندارم، اما صرفاً برای طرح این مسئله، شرط این است که اگر قرار است آنها به وظیفه خود برای بارور و تکثیر شدن و نمایندگی حکومت خدا بر تمام خلقت عمل کنند، در بخشی از این رابطه عهد، با دست نزدن به این درخت معرفت خیر و شر از خدا اطاعت خواهند کرد. برعکس، نافرمانی از این فرمان، نفرین را به دنبال خواهد داشت، بسیار شبیه به مضمون برکت و نفرین که بعداً در عهد عتیق با عهد موسی می‌بینید. بنابراین، خدا یک رابطه عهد برقرار می‌کند، او خدای آدم و حوا، قوم تازه آفریده شده خود، خواهد بود و آنها قوم او خواهند بود و آنها وظیفه خود را انجام خواهند داد و باید به عهد خود پایبند باشند و اگر این کار را انجام دهند، خدا آنها را برکت خواهد داد.

اگر نافرمانی کنند، خدا آنها را نفرین می‌کند و از باغ، از زمینی که به آنها داده است، بیرون می‌کند. این ما را به موضوع بعدی می‌رساند، و آن موضوع زمین است. پیدایش ۱ و ۲، و این روایت نسبتاً مفصل از هفت روز خلقت، باز هم، من علاقه‌ای به چگونگی درک آنها ندارم، اینکه آیا یک روز ۲۴ ساعته به معنای واقعی کلمه است یا یک دوره زمانی طولانی‌تر، موضوع بحث من در حال حاضر نیست.

نکته این است که از نظر الهیاتی، این موضوع چه نقشی در زمینه و آغاز داستان دارد. به نظر من آنچه در فصل‌های ۱ و ۲ در حال وقوع است، فقط منشأ زمین نیست، اگرچه این اتفاق می‌افتد، در مورد آغاز زمین و خلقت صحبت می‌کند، اما این به هیچ وجه به یک توضیح علمی در مورد چگونگی پیدایش زمین، منشأ زمین، نزدیک نیست و این روایت قطعاً به هیچ وجه توضیحات علمی را رد نمی‌کند. اما آنچه در حال وقوع است، مهم‌تر از آن، این است که این موضوع در مورد منشأ زمین نیست، بلکه در مورد آفرینش زمین یا محیطی توسط خداوند است که برای قوم خود مناسب باشد.

خداوند در حال خلق محیطی است که برای قومش قابل سکونت باشد و محیطی که بتواند در آن اقامت کند و با قومش ساکن شود. بنابراین، سرزمینی که در فصل‌های ۱ و ۲ آمده است، مکانی پر از برکت و باروری است که خلقت خدا، بشریت او، قوم جدید او، آدم و حوا، می‌توانند دوباره از آن لذت ببرند، اگر به عهد خود پایبند باشند. در غیر این صورت، از این سرزمین اخراج خواهند شد.

بنابراین، آنچه در باب‌های ۱ و ۲ در مورد سرزمین اتفاق می‌افتد این است که این سرزمینی است که خداوند به عنوان هدیه‌ای سخاوتمندانه به قوم خود، به آدم و حوا، ارائه می‌دهد. این مکانی پر از برکت است که خداوند در آن ساکن خواهد شد و با قوم خود اقامت خواهد گزید. حال، در رابطه با موضوع سرزمین و خلقت، و در واقع می‌خواهم به باب ۱ و آیه ۱ توجه کنید. در ابتدا، خداوند آسمان‌ها و زمین را آفرید.

بعداً در یکی از سخنرانی‌ها خواهیم دید که این مفهوم دوباره کجا مطرح می‌شود و مهم است. اما در ارتباط با این موضوع آفرینش سرزمین، یعنی تولید سرزمینی به عنوان مکانی برای برکت و هدیه‌ای بخشنده به مردم محیطی مناسب برای زندگی قومش و سکونت خدا در میان آنها، به اشاره‌ای که در فصل‌های ۱ و ۲ آمده است، به ویژه اشاره‌ای که در فصل ۲ به باغ شده است، توجه کنید. بنابراین در فصل ۲ در آیات ۸ و ۹، بعداً بیشتر در این مورد خواهیم خواند، اما با این جمله شروع می‌شود: و خداوند خدا باغی در عدن در شرق کاشت و مردی را که آفریده بود در آنجا گذاشت.

خداوند هر درختی را که از نظر ظاهری دلپذیر و برای غذا مفید است، از زمین رویاند. درخت زندگی نیز در وسط باغ است و درخت شناخت خوب و بد، که بعداً به آدم و حوا، به عنوان بخشی از شرط عهد، گفته شد که اجازه لمس آن را ندارند. اما آنچه می‌خواهم در مورد باغ بگویم، در درجه اول چیزی است که اینجا اتفاق می‌افتد، و من این

مشاهده را مدیون استاد عهد عتیق جان والتون و چند نفر دیگر نیز هستم، اما فکر می‌کنم چیزی که اینجا اتفاق می‌افتد این است که باغ عدن به تصویر کشیده شده است، و از برخی جهات، بقیه خلقت، اما به ویژه باغ عدن، من مطمئن هستم که به عنوان مکانی مقدس به تصویر کشیده شده است.

باغ عدن مکانی است که خدا به همراه قوم خود، آدم و حوا، در آن ساکن خواهد شد و نقش آدم و حوا محافظت و نگهداری از آن است. به فصل ۲ و آیه ۱۵ توجه کنید. در آنجا آمده است: خداوند آدم را گرفت و او را در باغ عدن گذاشت تا در آن کار کند و از آن نگهداری کند.

حالا من مطمئنم که عبارت «آن را شخم بزنید و از آن نگهداری کنید» آدم و حوا را به عنوان اولین باغبانان یا اولین طراحان فضای سبز اولین خلقت به تصویر نمی‌کشد، بلکه تنها نقش آنها محافظت از فضای مقدس است. نقش آنها شبیه به نقش کاهنانی است که بعداً در معبد ظاهر شدند، به طوری که آدم و حوا، به یک معنا، به عنوان اولین کاهنان باغ عدن عمل می‌کنند. حال، ادبیات یهودی بعدی، به ویژه آنچه بعداً در عهد عتیق خواهیم دید، عهد عتیق، فکر می‌کنم، به وضوح نشان می‌دهد که معبد، معبد عهد عتیق، اساساً قرار بود یک باغ عدن مینیاتوری باشد، زیرا آنجا جایی بود که خدا ابتدا در آن ساکن شد.

آن اولین مکان مقدسی بود که خدا با قوم خود در آن ساکن شد. اما عهد عتیق در بسیاری از ادبیات یهودی به ویژه برخی از ادبیات آخرالزمانی، باغ عدن را به عنوان یک معبد و آدم را به عنوان اولین کاهنی که در معبد خدمت می‌کرد، به تصویر می‌کشد. به عنوان مثال، کتابی با عنوان خنوخ سوم، عدن را به عنوان مکانی به تصویر می‌کشد که درخشش جلال شکینا خدا از یک سر باغ تا سر دیگر آن می‌درخشید و اشارات دیگری نیز وجود دارد.

بنابراین واضح است که باغ عدن باید به عنوان مکانی مقدس در نظر گرفته شود که خداوند در آنجا با قوم خود ساکن خواهد شد، همانطور که در معبد ساکن بود. و آدم و حوا آنجا هستند تا از آن محافظت کنند و آن را حفظ کنند، نه به عنوان اولین طراحان منظره، بلکه به یک معنا، به عنوان اولین کاهنانی که قرار است از این مکان مقدس محافظت کنند و از این مکان مقدس که خداوند در آن با قوم خود ساکن است مراقبت کنند. در ابتدا، بعداً در سخنرانی دیگری به این موضوع باز خواهیم گشت، وقتی که به طور خاص در مورد معبد صحبت می‌کنیم، اما در ابتدا، به تعدادی از ویژگی‌ها، ویژگی‌های دیگری که به وضوح این را با معبد مرتبط می‌کنند، توجه کنید، حتی با بازگشت به فصل‌های ۱ و ۲، اشاره به چراغ‌ها و نورها، نوری را که توسط چراغدان درون معبد تولید می‌شود، به یاد می‌آورد.

خود چراغدانی که در معبد عهد عتیق قرار داشت، احتمالاً یادآور درخت است. قرار بود چراغدان شبیه درخت باشد، احتمالاً درخت زندگی که در باغ عدن وجود داشت. جالب اینجاست که، باز هم، مشاهده‌ی دیگری که مدیون جان والتون هستم، این است که همین واقعیت که خدا در روز هفتم استراحت می‌کند، نه تنها نشانه‌ای از تجدید حیات خداست، یا بدیهی است که نشانه‌ی این واقعیت نیست که او خسته شده و نیاز داشته از این فعالیت سخت آفرینش دست بکشد، بلکه حتی مفهوم استراحت خدا نیز با تصاویر معبد طنین‌انداز می‌شود.

بعدها در عهد عتیق، در چندین جای مختلف، در تواریخ، در اشعیا فصل ۶۶، از معبد به عنوان محل استقرار خدا، به عنوان محل استقرار حضور خدا یاد شده است. حضور خدا در خود معبد آرام گرفت. بنابراین وقتی خدا در پایان خلقت خود آرام می‌گیرد، نشان می‌دهد که اینجا اکنون مکانی مقدس است.

این معبد خداست که او اکنون در آن استراحت می‌کند یا در میان قوم خود ساکن است. و باز هم، وقتی بعداً به موضوع معبد برگردیم، این را خواهیم دید. حال، از نظر جغرافیایی، اجازه دهید در مورد آنچه در فصل‌های ۱ و ۲ و ۳ می‌گذرد، به ویژه با این روایت از باغ عدن، نظری جغرافیایی بدهم.

توجه کنید که چگونه فصل ۸ آغاز می‌شود، و خداوند باغی را در عدن در شرق کاشت. و سوال این است که از نظر جغرافیایی، چگونه می‌توانیم این را تصور کنیم؟ آیا باغ عدن با فصل‌های ۱ و ۲ همسو است، به طوری که باغ عدن کل خلقت را در بر می‌گیرد؟ آیا عدن، و شاید باغ درون آن، مکانی جداگانه در خلقت است؟ نوع کیهان‌شناسی یا حتی جغرافیایی که در پیدایش ۱ تا ۳ به تصویر کشیده شده است، کمی دشوار است. اما شاید، و من این مشاهده را مدیون گرگوری بیل هستم، او پیشنهاد می‌کند که شاید باغ عدن مکانی در خلقت باشد، مکانی که حضور خدا در آن ساکن است.

و وظیفه اصلی آدم و حوا به عنوان حاملان تصویر خدا و نمایندگان جلال ویرانی او، و با تولید فرزندان حامل تصویر، که قرار است حکومت و جلال خدا را در سراسر خلقت گسترش دهند، این است که وظیفه اصلی آدم و حوا گسترش عدن به گونه‌ای است که در نهایت کل زمین و کل جهان را در بر بگیرد، به طوری که عدن، باغ عدن، در نهایت با کل خلقت همسو شود. بنابراین، صحنه آماده است. اکنون صحنه آماده است.

مرد و زن به عنوان قوم خدا آفریده شده‌اند و برای ورود به یک رابطه پیمانی با خدا آفریده شده‌اند. خداوند به آنها هدیه سخاوتمندانه سرزمینی را که برای آنها آفریده است، عطا کرده است و به عنوان حاملان و نمایندگان تصویر او، آنها باید نمایانگر حکومت و پادشاهی حاکم، فرمانروای مطلق، و فرمانروای مطلق بر تمام خلقت باشند. آنها باید نماینده و گسترش دهنده حکومت و جلال او در سراسر خلقت باشند.

و آنها باید با انجام این کار، احتمالاً با فرزندان دیگری که تصویر خود را به جا می‌گذارند، بارور شوند و زمین را پر کنند. و آنها باید از فضای مقدسی که خدا به آنها داده است، مراقبت و محافظت کنند. و اوج همه اینها این است که اکنون خدا در خلقتی که با لطف به قوم خود بخشیده است، ساکن می‌شود و با آنها زندگی می‌کند.

حال، پیدایش ۳ سپس تضاد یا پیچیدگی‌ای را مطرح می‌کند که به نوعی جدایی اصلی را در بقیه عهد عتیق و جدید ایجاد می‌کند. در واقع، در فصل ۳، پس از فصل ۳، می‌توانید یک جدایی اصلی بین پیدایش ۱ تا ۳ و بقیه عهد عتیق و جدید قرار دهید. بقیه عهد عتیق و جدید، راه حلی برای پیچیدگی‌ای خواهد بود که در فصل ۳ پیدایش پدیدار می‌شود. بنابراین، پیچیدگی در فصل ۳ این است که مار، آدم و حوا را به گناه و سوسه می‌کند و این کار را با وادار کردن آنها به نقض شرط عهد، رابطه عهد با خدا، انجام می‌دهد.

به آدم و حوا گفته شد که نباید درخت شناخت نیک و بد را لمس کنند، و شیطان آنها را وسوسه کرد که این کار را انجام دهند. بنابراین اکنون گناه وارد خلقت خدا می‌شود، و اکنون گناه، نیت اولیه خدا را برای اینکه بشریت حامل تصویر خدا باشد، حکومت او را منعکس کند، حکومت و جلال او را در سراسر خلقت گسترش دهد، و خدا در میان آنها ساکن باشد، خنثی می‌کند. اکنون گناه وارد صحنه می‌شود و آن نیت را خنثی می‌کند، به طوری که اکنون، جالب اینجاست که آدم و حوا از باغ عدن تبعید می‌شوند.

و من عمداً از اصطلاح تبعید استفاده می‌کنم، و با ادامه داستان متوجه خواهید شد که چرا. خواهید دید که چرا از این اصطلاح استفاده می‌کنم. اما آدم و حوا از باغ عدن تبعید شدند.

و جالب اینجاست که در فصل ۳، ما همچنین می‌خوانیم که آنها نه تنها از باغ عدن اخراج می‌شوند، بلکه در آیه ۲۴، آمده است که آیه ۲۳ از فصل ۳، پیدایش ۳ را نیز می‌خوانم. بنابراین، خداوند او را از باغ عدن، بیرون فرستاد تا زمینی را که از آن گرفته شده بود، کشت کند. او انسان را بیرون راند و در شرق باغ عدن کروبیان و شمشیری شعله‌ور و چرخان را قرار داد تا از مسیر درخت زندگی محافظت کنند. بنابراین، شما این

تصویر را از آدم و حوا دریافت می‌کنید که از سرزمین، مکان برکتی که خدا به آنها داده بود، تبعید یا اخراج شدند، جایی که قرار بود به عنوان نمایندگان خدا عمل کنند، جلال و حکومت خدا را در سراسر خلقت گسترش دهند.

در عوض، اکنون آنها به دلیل گناه و نافرمانی، به دلیل شکستن رابطه پیمان، از باغ عدن و از فضای مقدسی که قرار بود در آن نگهداری کنند، رانده شده‌اند. و اکنون خداوند دو کروی، دو موجود فرشته‌گون، را در ورودی شرقی قرار می‌دهد تا از آن محافظت کنند. می‌خواهم به آن دو نکته که بعداً به آنها خواهیم پرداخت، توجه کنید.

این واقعیت که دو موجود فرشته‌مانند از ورودی باغ عدن محافظت می‌کنند، و این واقعیت که روایت خلقت به طور خاص آن را به عنوان مکانی در شرق باغ عدن معرفی می‌کند، مفهوم جهت‌گیری آن در شرق است. بنابراین این پیچیدگی است که ایجاد می‌شود. اما آیه ۱۵، اگرچه باز هم نمی‌خواهم در این مورد توضیح بیشتری بدهم.

آیه ۱۵ اغلب به نوعی به عنوان مراحل اولیه انجیل یا انجیل در اخبار دیده می‌شود. اما حداقل، آیات ۱۵ و اما به ویژه آیه ۱۵، به نظر می‌رسد که نشان‌دهنده تدبیر مهربانانه خداوند برای حل مشکلی است که ۱۶، اکنون پیش آمده است. و آیه ۱۵ می‌گوید: «و من دشمنی بین تو و زن، و بین نسل تو و نسل او قرار خواهم داد.»

او سرت را خواهد زد و تو پاشنه‌اش را. حالا دوباره، چیزی بیشتر از این گفته نشده، جز اینکه این آغاز یک درگیری است که در نهایت به راه حلی خواهد رسید. اگرچه روایت در این مرحله دقیقاً به ما نمی‌گوید که این راه حل چگونه خواهد بود.

اما بقیه کتاب مقدس، به نظر من، بقیه پیدایش، تا عهد جدید، داستان چگونگی بازگرداندن نیت اولیه خداوند برای بشریت و کل خلقتش است. یعنی خلقت مردان و زنان توسط خداوند در رابطه‌ای مبتنی بر عهد با او در سرزمینی که خداوند با لطف برای قومش فراهم کرده است، و با سکونت خداوند در میان آنها. و بشریت به عنوان حاملان تصویر خدا، نمایندگان خدا که مسئول گسترش حکومت خدا و جلال او در کل خلقت هستند، عمل می‌کند.

و بقیه عهد عتیق و جدید روایت می‌کنند که چگونه این پیچیدگی که در فصل ۳ مطرح شده است، حل می‌شود. چگونه خداوند نیت اولیه خود را برای بشریت احیا خواهد کرد؟ خب، این ما را به پایان بحث و پیچیدگی مطرح شده می‌رساند. حالا، کاری که می‌خواهم انجام دهم این است که از بخش‌های نسبتاً بزرگی از مطالب، به ویژه در عهد عتیق، صرف نظر کنم.

و باز هم، من فقط به مضامین اصلی، متون اصلی و جنبش‌های اصلی در داستان تحقق اهداف خدا برای بازگرداندن نیت اولیه‌اش برای بشریت و خلقت، همانطور که در فصل‌های ۱ و ۲ پیدایش بیان شده است خواهم پرداخت. و می‌خواهم از این مسیر به فصل ۱۲ پیدایش بروم، جایی که داستان اسرائیل به وسیله اصلی خدا برای برقراری یا بازگرداندن نیت خدا برای تمام خلقت تبدیل می‌شود. بنابراین، پیدایش ۱ و ۲ به نوعی در سطح کلان برخورد خدا با تمام خلقت است. اکنون، از طریق یک اثر محدودکننده، خدا اکنون بر یک شخص، بلکه بر یک ملت، به عنوان وسیله‌ای که خدا از طریق آن نیت خود را برای بازگرداندن خلقت به عملکرد اولیه‌اش برقرار خواهد کرد، تمرکز خواهد کرد.

دوباره، با قوم خدا که در سرزمینی که هدیه‌ی خدا به آنها داده شده است، زندگی می‌کنند، با خدا که در میان آنها ساکن است، و قوم خدا که جلال خدا و حکومت خدا را در سراسر خلقت گسترش می‌دهند. سپس داستان از فصل ۱۲ پیدایش شروع می‌شود. و پیدایش ۱۲ اینگونه آغاز می‌شود: «خداوند به ابرام گفت: از سرزمین خود، از خویشاوندان خود و از خانه‌ی پدرت به سرزمینی که به تو نشان خواهم داد، برو.»

از تو قومی بزرگ پدید خواهم آورد و تو را برکت خواهم داد و نام تو را بزرگ خواهم ساخت تا تو مایه برکت باشی. کسانی را که تو را برکت دهند، برکت خواهم داد و کسی را که تو را نفرین کند، نفرین خواهم کرد. و از تو، همه خانواده‌ها یا همه ملت‌های زمین برکت خواهند یافت.

بنابراین، این آغاز قصد خدا برای بازگرداندن پیدایش ۱ و ۲ و شرایطی است که در نیت اولیه او برای خلقت صادق بودند. حال، چرا این را می‌گوییم؟ خوب، توجه کنید که چگونه، دوباره، تمام مضامین غالب از پیدایش ۱، ۲ و ۳ دوباره در انتخاب و گزینش ابراهیم و ملت اسرائیل توسط خدا و داستان اسرائیل به عنوان وسیله‌ای برای حل مناقشه و معضلی که در فصل ۳ پیدایش معرفی شده است، ظاهر می‌شوند. اول از همه، به اشاره واضح به دادن زمین توسط خدا به اسرائیل یا دادن زمین توسط خدا به ابراهیم توجه کنید.

بنابراین، در آیه ۱، وقتی می‌گویید، به سرزمین خود و به خویشاوندان و خانه پدرت برو یا از سرزمین خود و به سرزمینی که به تو نشان خواهم داد، برو. به عبارت دیگر، این مرحله اولیه احیای نیت خدا برای دادن سرزمین به مردم از پیدایش ۱ و ۲ است. به یاد داشته باشید که در پیدایش ۱ و ۲، خدا سرزمین را به عنوان محیطی مناسب برای قوم خود آفرید. این هدیه‌ای از روی لطف بود که او به قوم خود به عنوان مکانی برای برکت داد، مکانی که خدا با قوم خود در آن ساکن می‌شد.

اما آدم و حوا به دلیل گناه از آن سرزمین تبعید شدند. اکنون خداوند ابراهیم و قوم اسرائیل را برمی‌گزیند تا آنها را به سرزمینی بازگرداند که محل برکت خداوند و مکانی است که خداوند بار دیگر با قوم خود در آن ساکن خواهد شد. این همان سرزمین است.

این سرزمین، هدیه‌ی بخشنده خداوند به قومش در تحقق باب‌های ۱ و ۲ سفر پیدایش است. بنابراین، بردن ابراهیم به سرزمین و ملت اسرائیل که از او پدید خواهد آمد، بازسازی شرایط نیت اولیه‌ی خداوند برای خلقت او و برای بشریت در آدم و حوا، قوم او در باب‌های ۱ و ۲ سفر پیدایش است. همچنین به موضوع عهد توجه کنید. خداوند به وضوح در این باب و در باب‌های بعدی سفر پیدایش به عنوان یک حاکم مطلق، به عنوان حاکم بر خلقت، که اکنون ابراهیم را انتخاب، برگزیده و فرا می‌خواند و او را برکت می‌دهد، به تصویر کشیده شده است. همچنین به زبان برکت و نفرین که در باب ۱۲ آیات ۲ و ۳ آمده است توجه کنید. اما در بخش‌های بعدی داستان ابراهیم، واضح است که خداوند با ابراهیم وارد رابطه می‌شود.

بنابراین در اینجا می‌بینیم که مضمون عهد به عنوان روشی که خداوند با قوم خود وارد رابطه می‌شود و آنها را برکت می‌دهد، که قبلاً در پیدایش ۱ و ۲ یافت می‌شد، اکنون به روشی غالب تبدیل می‌شود که خداوند با قوم خود وارد رابطه می‌شود، آنها را به سرزمین خود بازمی‌گرداند و آنها را همانطور که قصد اولیه او برای خلقت در پیدایش فصل‌های ۱ و ۲ بود، برکت می‌دهد. بنابراین به عنوان مثال، خداوند در آن زمان با ابراهیم و همچنین با بقیه فرزندان او وارد رابطه عهدی می‌شود. به فصل‌های ۱۵ و ۱۸ توجه کنید که به وضوح فصل هستند. تمام فصل ۱۵ به وضوح به مراسم عهدی مربوط می‌شود که در آن خداوند با ابراهیم وارد رابطه ۱۵ عهدی می‌شود.

و توجه کنید که آیه ۱۸ چگونه به پایان می‌رسد. می‌گویید، در آن روز، خداوند با ابرام عهد بست و گفت: «به نسل تو، این سرزمین را می‌دهم». به ارتباط سرزمین، هدیه سرزمین، با عهدی که خدا با ابراهیم و نسل او می‌بندد، توجه کنید.

علاوه بر این، نیت، به نیت برکت دادن به ابراهیم توجه کنید، که به وضوح در فصل ۱۲ آمده است، اما در سراسر روایت ابراهیم تکرار می‌شود. نیت برکت دادن به ابراهیم به وضوح معکوس نفرینی است که در فصل پیدایش اتفاق می‌افتد. در نتیجه گناه آدم و حوا، پایان فصل ۳ با نفرین خدا به پایان می‌رسد. مار با نفرین ۳ خدا بر خلقت به پایان می‌رسد.

و اکنون به عنوان معکوس آن، به ابراهیم وعده برکت و بازگشت به سرزمین، مکانی برای برکت، داده می‌شود دوباره در تحقق نیت خدا برای قومش در پیدایش فصل‌های ۱ و ۲. به موضوع قوم خدا نیز توجه کنید، که نیت خدا از انتخاب ابراهیم و ورود به رابطه عهدی با او در نهایت این است که از ابراهیم قومی، ملتی ظهور کند که از طریق آنها خدا یا با آنها وارد رابطه عهدی شود. قبلاً اشاره کردیم که این عهدی که خدا با ابراهیم بست در نهایت برای فرزندان او نیز هست. اما از ابراهیم این قوم ظهور خواهند کرد که قوم خدا خواهند بود و خدا خدای آنها خواهد بود، به طوری که اکنون اسرائیل وسیله خدا برای بازگرداندن نیت اولیه او برای خلقت از پیدایش ۱ و ۲ خواهد بود. بنابراین آنچه آدم و حوا به دلیل گناه در انجام آن شکست خوردند و آنها را از سرزمین تبعید کردند، اکنون خدا قصد دارد اسرائیل را به سرزمینی به عنوان مکانی برای برکت بازگرداند، تا به آنها در سرزمین آرامش دهد تا وارد رابطه عهدی شوند تا در نهایت جلال خدا و حکومت او در سراسر زمین برقرار شود.

بنابراین، اسرائیل اکنون قصد خداست تا هدف اصلی خدا برای خلقت را از فصل‌های ۱ و ۲ پیدایش بازایی کند. همچنین به تأکید بر نسل و نوادگان ابراهیم توجه کنید، که بارها و بارها این تصویر را در پیدایش می‌بینید که نسل ابراهیم در نهایت از ستارگان آسمان یا شن‌های دریا بیشتر خواهد بود. خدا از استعاره‌های مختلف استفاده می‌کند، اما چندین بار به ابراهیم می‌گوید که این نسل، که در پایان... به یاد داشته باشید که حتی در فصل ۱۲، او به او گفت که ملتی بزرگ از او به وجود خواهد آمد. در فصل ۱۵، او گفت که این عهد با ابراهیم برای این بود که نوادگان او صاحب زمین شوند.

بارها و بارها، خداوند به ابراهیم وعده می‌دهد که نسل و نسل او حتی از ستارگان آسمان یا شن‌های دریا نیز بیشتر خواهد بود. به فصل ۲۲ و آیات ۱۷ تا ۱۸ توجه کنید. از آیه ۱۷، پیدایش ۲۲، خداوند با ابراهیم سخن می‌گوید: «من تو را برکت خواهم داد و نسل تو را به کثرت ستارگان آسمان و شن‌های ساحل دریا». «خواهم رساند»

و نسل تو دروازه دشمنان خود را تصرف خواهند کرد و به وسیله نسل تو، ملت‌های زمین برکت را برای خود به دست خواهند آورد، زیرا تو از صدای من اطاعت کرده‌ای. حال، چیزی که می‌خواهم به آن توجه کنی این است که اشاره به نسل بی‌شماری که از ابراهیم می‌آیند، به احتمال زیاد بازتابی از فرمانی است که در پیدایش فصل ۱ به آدم و حوا داده شده است. یا به یاد داشته باش، جایی که به یاد داری خدا به آدم و حوا می‌گوید، شما باید بارور و تکثیر شوید و تمام زمین را پر کنید و آن را مطیع خود سازید. اکنون، به ابراهیم گفته می‌شود که او نسلی به فراوانی ستارگان آسمان و شن‌های ساحل دریا خواهد داشت.

من فکر می‌کنم در راستای تحقق نیت اولیه خدا برای آدم و حوا مبنی بر تولید فرزندی که تصویر خود را به تصویر بکشند تا بارور و تکثیر شوند و در نهایت تمام زمین را پر کنند. بنابراین، این فرمان اکنون با انتخاب ابراهیم توسط خدا در حال تحقق است، کسی که فرزندان بی‌شماری تولید خواهد کرد، فرزندی که بارور و تکثیر خواهند شد، زمین را در اختیار خواهند داشت، زمین را بازپس خواهند گرفت، به سرزمین بازگردانده خواهند شد، هدیه سخاوتمندانه تدارک خدا، مکان برکتی که او برای آدم و حوا در نظر گرفته بود تا در آن زندگی کنند و خدا در میان آنها زندگی کند و آدم و حوا نماینده حکومت خدا باشند و جلال او را در سراسر خلقت گسترش دهند. بنابراین، ابراهیم به عنوان اولین قدم یا اولین مراحل بازگرداندن نیت اولیه خدا برای خلقت و بشریت دیده می‌شود.

به یاد داشته باشید، خدا فقط قوم خود را احیا نمی‌کند و قوم خود را نجات نمی‌دهد، اگرچه شاید این مهمترین عنصر باشد، اما در نهایت خدا باید تمام خلقت را احیا کند. اما ابراهیم اولین قدم برای خداست تا شرایط پیدایش ۱ و ۲ را که توسط گناه ویران شده و توسط سقوط در پیدایش فصل ۳ نابود شده بود، احیا کند. و باز هم، این بدان معناست که خدا قومی را خلق و انتخاب خواهد کرد، او خدای آنها خواهد بود و آنها قوم او در یک رابطه پیمانی با آنها خواهند بود، او با لطف به آنها سرزمین را به عنوان مکان برکت، به عنوان مکان حضور خود خواهد داد و آنها به عنوان حاملان تصویر او، حکومت و جلال او را گسترش خواهند داد، آنها حکومت و جلال او را به عنوان نمایندگان او در سراسر خلقت گسترش خواهند داد و زمین را با جلال خدا و حکومت حاکم او پر خواهند کرد. بنابراین، دوباره، این فقط یک مرحله اصلی در داستان است و اینکه چگونه داستان شروع به آشکار شدن می‌کند، چگونه داستان شروع به توسعه می‌کند.

و همانطور که گفتم، از بخش‌های زیادی از مطالب صرف نظر می‌کنم. اگر به عقب برگردید و به روایت سیل نگاه کنید، روایت سیل در پیدایش ۶-۹ انواع و اقسام شباهت‌ها را با فصل‌های ۱ و ۲ پیدایش دارد خداوند دوباره بر نیت خود برای بازگرداندن خلقت، بازگرداندن بشریت تأکید می‌کند، اگرچه اکنون فصل ۱۲

پیدایش به طور خاص‌تر نحوه شروع انجام این کار را شرح می‌دهد. همچنین اجازه دهید بگویم که نمی‌خواهم لزوماً بگویم که می‌توان تک تک جزئیات عهد جدید قدیم را به زور در این خط داستانی گنجانده یا در آن گنجانده.

اما باز هم، هدف اصلی من ردیابی رشته‌های غالب داستان کتاب مقدس در مورد رفتار رستگاری‌بخش خدا با قومش است، در مورد قصد خدا برای بازگرداندن نیت اولیه‌اش که در عمل خلاقانه اولیه او به عنوان خالق حاکم جهان با قومش به عنوان اوج آن منعکس شده است، و اینکه چگونه خدا اکنون در تاریخ عمل می‌کند تا آن را به نیت اولیه‌اش از فصل ۱ و ۲ پیدایش بازگرداند. بسیار خوب، نقطه توقف بعدی، رفتار خدا با قومش از طریق موسی و عهدی است که خدا با موسی بست. داستان از خروج آغاز می‌شود. باز هم، ما از بسیاری از مطالب گذشتیم، اما مرحله بعدی داستان در کتاب خروج آغاز می‌شود، جایی که خداوند موسی را فرا می‌خواند تا قوم خود را از سرزمین مصر نجات دهد و دوباره آنها را به سرزمینی که به ابراهیم وعده داده بود، برده. ما گفتیم که این بخشی از قصد خداوند برای بازگرداندن نیت خود برای بشریت جهت زندگی در این سرزمین به عنوان هدیه بخشنده خداوند از فصل‌های ۱ و ۲ پیدایش است. بنابراین، داستان ابراهیم با عهدی که خداوند از طریق موسی با قوم اسرائیل می‌بندد، نجات آنها از مصر و قصد او برای بازگرداندن آنها به سرزمین ادامه می‌یابد.

حال، این بسیار مهم است. خواهیم دید که چگونه این روند در بقیه عهد عتیق و حتی در عهد جدید آغاز می‌شود. اسرائیل، پس ملت اسرائیل، ما این را در پیدایش فصل ۱۲ دیده‌ایم، اما از طریق عهدی که خداوند در نهایت با ابراهیم برقرار می‌کند، ملت اسرائیل وسیله‌ای از جانب خداوند خواهد بود که از طریق آن قصد خود را برای تمام خلقت و برای قومش از پیدایش فصل‌های ۱ و ۲ احیا خواهد کرد. بنابراین، چیزی که می‌خواهم تأکید کنم این است که امیدوارم بسیاری از شما که به این گوش می‌دهید، نیازی به یادآوری نداشته باشید، اما برای برخی از شما، ممکن است، این صرفاً یک پیچش جدید در داستان یا مرحله جدیدی از برخورد خداوند با قومش نباشد.

آنچه خدا قرار است از طریق موسی با ملت اسرائیل انجام دهد، به طور کامل و جدایی‌ناپذیری به روایت خلقت در فصل‌های ۱ و ۳ کتاب پیدایش مرتبط است. باز هم، اسرائیل، انتخاب اسرائیل به عنوان قوم خدا باید به عنوان وسیله‌ای در نظر گرفته شود که خدا از طریق آن قصد خود را برای خلقت از پیدایش ۱ و ۲ بازگرداند. به یاد داشته باشید، آدم و حوا شکست خوردند. آنها گناه کردند و بنابراین از باغ، از سرزمین مکان برکت، مکانی که خدا با قوم خود در آن ساکن بود، یعنی فضای مقدس، تبعید شدند. و اکنون اسرائیل

به عنوان ملتی فراخوانده شده است که دوباره، خدا قصد دارد آنها را از مصر نجات دهد و به سرزمینی بیاورد که اکنون آنها وسیله خدا برای تحقق قصد اولیه خدا برای خلقت از پیدایش ۱ و ۲ خواهند بود. و بنابراین، عهد موسی و اعطای شریعت در واقع وسیله‌ای است که خدا از طریق آن وعده‌ای را که به ابراهیم داده است، حفظ و محقق خواهد کرد.

دوباره، از طریق ابراهیم، او به یک ملت بزرگ وعده داده است. او قرار است آنها را به آن سرزمین بیاورد. حال، عهد موسی راهی است که این اتفاق خواهد افتاد.

عهدی که خدا با موسی در اعطای شریعت بست، نوعی وسیله قانونی و راهی است که عهد بسته شده با ابراهیم اکنون اجرا و عملی خواهد شد. بنابراین، کاری که می‌خواهم در ادامه انجام دهم، بررسی جزئیات بیشتر داستان اسرائیل و چگونگی تکمیل و ادامه آن نه تنها داستان و عهد بسته شده با ابراهیم، بلکه تمام مسیر خلقت است، اینکه چگونه داستان اسرائیل نهایی است، نهایی نیست، بلکه تحقق و وسیله‌ای است برای حفظ و تحقق نیت اولیه خدا برای آدم و حوا و برای تمام خلقت در فصل‌های ۱ و ۲ پیدایش.

«آن دیو متیوسون بود، سخnrانی شماره یک از مجموعه «داستان‌های کتاب مقدس».